



۲۰۱۹/۰۹/۱۱



مرجان کمال

تحریک طالبان نویسنده: مرجان کمال به زبان فرانسوی

مترجم: فریده نوری
قسمت هشتم



ای گل پر پر من، چشم به راهت هستم
من ماتم زده هر لحظه به یادت هستم

ای سفر کرده به معراج، به یادت هستم
تو سفر کردی و آسوده شدی از دوران



به ادامه گذشته:

به تعقیب اولسن استه (Olesen Asta) توماس برفیلد (Thomas Barfield) (2005 میلادی) دو نوع جهاد دفاعی را در افغانستان تشخیص داده است:
اولی توسط فتوی یکی از علماء، و در اثر درخواست و تقاضای فرمانروا، جهت توجیه نمودن به بسیج سازی جنگجویان در مقابل یک تهدید بالای قلمرو مشروعیت داده می شود:
جهاد اولی: در هنگام جنگ سوم افغان - انگلیس که به استقلال کشور انجامید.

جهاد دومی: این یک نمونه است که توسط روحانیون، ملاها و علما علیه کافران، یا در صورت تشخیص خطر برای دین اعلان می‌شود، و یا علیه فرمانروایانی که مطابق میل توسعه طلبی و گسترش خارجی‌ها عمل کنند.

این حالت دوم به دو جنگ اول و دوم افغان - انگلیس (1839 - 1842 میلادی) و (1878 - 1881 میلادی) و همچنان جهاد علیه شوروی (1979 - 1989 میلادی) و بالاخره جهاد علیه حضور قوت‌های ناتو از مارچ 2002 میلادی مطابقت دارد. تداوم مودل عبور به یک عمل دسته جمعی مرکزی بالای مفهوم جهاد برای برفیلد (Thomas Barfield) به طبیعت ساختارهای سیاسی و اجتماعی، به ترتیب و قسمی که خود ترسیم می‌کند، از زمان به وجود آمدن دولت و در تمام دوران تحولات آن‌ها یکی به تعقیب دیگر شان.

در کشوری که اکثریت آن را دهات و قصبات تشکیل داده است و مردم آن سرکش و ایدیولوژی‌ها مانند (ایدیولوژی کمونیسم)، بالای شان تأثیر ناپذیر بوده و از خود مقاومت نشان می‌دهند.

پس یک رابطه بسیار مهم بین گروپ‌های اجتماعی و تصمیم گرفتن به فعالیت‌های دسته جمعی شان وجود دارد، بدون آن که ایدیولوژی در این تصامیم رول داشته باشد، و گرفتن تصامیم به فعالیت‌های دسته جمعی نظر به منافع می‌باشد، نه به دلیل ایدیولوژیکی. به طور مثال ملحق شدن با طالبان در سال 1994 میلادی و دوباره رها نمودن طالبان در سال 2002 میلادی. (توماس برفیلد 2005, 236 Thomas Barfield).

برعلاوه در یک کشور «عمیقاً اسلامی» که عقاید مذهبی در رفتار روزمره زندگی مردم دخیل می‌باشد به این ترتیب تمام مداخلات نظامی خارجی نظر به تهدیدی که ارزش‌ها و عقاید مردم را تحت تأثیر و فشار قرار بدهد، در آن صورت فراخوانی به جهاد سبب قیام و شورش مردمی می‌گردد.

ملاهای قرن نهم میلادی مانند رهبران احزاب مقاومت علیه شوروی‌ها و همچنان برادران مسلح شان که در سال 2002 میلادی به اغتشاش پیوستند، در صورت اشغال خارجی کشور به تشکیل یک تحریک مانند بسیج شدن به جهاد دفاع ملی می‌گرایند.

فلهذا عبور به خشونت مسلحانه توجیه می‌گردد توسط تهدیدات بالای ارزش‌های اعتقاداتی مردم، و سلسله درگیری‌های مسلحانه از سال 1979 میلادی به این طرف، یک علت مهم تغییرات و تشکیلات دوباره ساختاری سیاسی و اجتماعی میراث رژیم سابقه می‌باشد.

در قسمت اول موضوع تحقیق، در رابطه بین ساختارهای سیاسی - اجتماعی، بررسی چهار چوکات یا حدود درگیری در رابطه با ایدیولوژی به قسمی که در هنگام درگیری مسلحانه در سال 2002 میلادی روی کار آمد، بررسی می‌شود. این رابطه نامعلوم و غیر قابل پیشبینی می‌باشد، زیرا ایجاد یک پیوند جدید بین بازیگران در فردای عملیات‌های «آزادی پایدار» «Liberté immuable» و به راه انداختن یک جنگ آشوبگرانه بالای یک ساختاری سیاسی - اجتماعی که عمیقاً عوض شده است.

اغتشاش علیه دولت در یک محیط سیاسی و اجتماعی افغانی به قسمی که دوباره تشکیل گردیده است، از سال های 1990 میلادی به این طرف، چه مفهوم می‌تواند داشته باشد؟

تحریک طالبان افغان در هنگام به وجود آمدن شان در سال 1990 میلادی، از دیگر احزاب مقاومت متفاوت بودند، زیرا طالبان دارای یک اصول اخلاقی (éthique) و یک عقیده بودند. این یک پدیده جدید در افغانستان است. (Chapite. 1)

در سال 2002 میلادی، تحریک طالبان با دیگر احزاب مقاومت ائتلاف نمودند، مخصوصاً با حزب اسلامی. و این نشان دهنده تغییر در ایدئولوژی و اصول اخلاقی شان بود و دلیل این تغییرات برای گسترش فعالیت های شان بوده است. (Chapitre 2).

بالاخره تغییرات در ستراتیژی تحریک طالبان به دلیل ائتلاف های جدید شان با حزب اسلامی و القاعده، رونما و سبب اعمال خشونت بار گردیده، و این اعمال خشونت بار مسلحانه تعیین کننده تغییرات در ساختار اقتدار و تشکیل کننده محیط اغتشاشی و نشان دهنده تغییر در اقتدار می باشد. (Chapitre3).



ادامه دارد

marjan_kamal_107_tahrik_talibaan_8.pdf

